امرداد

هفته نامه خبری-فرهنگی

بی مرگی و جاودانگی

Amordad

An Iranian weekly Cultural newspaper

Amordad vol.4 No.92
Saturday May.4.2004
1250 rials

۸ صفحه ■ شماره مسلسل ۹۲ ■ سال چهارم
خور ایزد و اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ زرتشتی ■ سه شنبه
۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ خورشیدی ■ تکشماره ۱۲۵۰ ریال

۳ نامه‌ای به پسرم
دکتر پرویز ناتل خانلری

۴ پایانی بر حرف های حسابی
گل آقا در گذشت

۵ فراموش کردن فارسی ممکن نیست
گفتگویی با باباجان غفورف
از سیروس علی نژاد

اعلام می کنم تا روزی که زنده هستم و مزدا پادشاهی را به من ارمغان می کند کیش و آیین و باورهای مردمانی را که من پادشاه آنان هستم گرامی بدارم و نگذارم فرمانروایان و زیردستان من کیش و آیین و دین و روش مردمان دیگر را پست بدارند و یا آنها را بیازارند . در پادشاهی من هر ملتی آزاد است که مرا به پادشاهی بپذیرد یا نپذیرد .

من اعلام می‌کنم که هر کس آزاد است هر دین و آئینی را که میل دارد برگزیند و هر جا که می‌خواهد سکوت کند و به هرگونه که معتقد است عبادت کند و هر کسب و کاری را که می‌خواهد انتخاب کند ، تنها به شرطی که حق کسی را پایمال نکند .

تا روزی که من زنده هستم نخواهم گذاشت مردان و زنان را به نام برده و کنیز یا نام‌های دیگر بفروشند .

بخشی از متن حقوق بشر کورش کبیر

سرآغاز نخست

اردیبهشت دیگری از راه رسید . اردیبهشت ماه برای اهالی مطبوعات زمان اشک ها و لبخند هاست . صبح یکی از روزهای اردیبهشت ماه بود که تعداد زیادی از روزنامه ها و هفته نامه ها و ماهنامه های اصلاح طلب ایرانی به طور دسته جمعی به محاق توقیف رفتند . عملی که مدتی پس از آن از سوی چهره های اصلاح طلب به عنوان توقیف فله ای مطبوعات مشهور شد .

در این ماه اما اتفاق خجسته ای هم برای نشریات کشور به وقوع می پیوندد . جشنواره مطبوعات در کنار نمایشگاه بین المللی کتاب برگزار خواهد شد تا ارباب جراید بتوانند ارتباط و تعامل خود را با مخاطبان به درجه حداکثری برسانند و برخی نشریات نا آشنا خود را به همگان بشناسانند .

روز نامه نگاری در جهان به عنوان یکی از مشاغل پر خطر طبقه بندی شده است .این خطر بیشتر به سبب حضور روزنامه نگار در موقعیت های دشوار حاصل می شود . روزنامه نگار ایرانی اما همواره خطر را از نوعی دیگر احساس می کند . او مدام با دلهره این که نشریه ای که در آن کار می کند و تنها محل کسب در آمدش است ممکن است توقیف و تعطیل شود ، قلم را بر کاغذ می گذارد . و عجبا که محصول این روزنامه نگاری مضطرب ، روزنامه ای می شود که این اضطراب را در همه سطوح به خواننده اش منتقل می کند .

بحث آزادی اندیشه و آزادی در بیان این اندیشه بحثی است که پس از دوم خرداد و باز شدن نسبی فضای سیاسی کشور به عنوان یکی از مباحث محوری جامعه مدنی مطرح شد . این مجادلات اما همواره در مرحله حرف و بحث باقی ماند و در عمل مطبوعات باز هم به سبب کوچکترین کجروی تیغ توقیف را بر گردن خود خواهند دید .

آزادی اندیشه ، عقیده و بیان موضوعی است که برای نخستین بار در منشور حقوق بشر کورش کبیر ، پادشاه ایران آمده است .و در حدود ۲۵۰۰ سال پیش در سرزمین ایران رعایت می شد و تمامی اقوام از هر دین و کیشی و یا هر طرز تفکری آزادانه در کنار یکدیگر می زیسته اند . پس از گذشت این ۲۵۰۰ سال و با وجود تمامی پیشرفت های بشر در زمینه های مختلف باز هم شاهد هستیم که این آزادی ها در کشورمان با چالش هایی روبرو هستند و مطبوعات به عنوان نماد آزادی بیان همواره در خطر توقیف قرار دارند .

این در حالی است که نشریات کشور های همسایه ایران حضور در سطح بین المللی را تجربه می کنند و روزنامه نگارانشان به عنوان روزنامه نگاران جهانی شناخته می شوند . در ایران اما ما هنوزتعداد نشریات مستقلی که بتوانند بدون اتصال به مراکز قدرت اصول روزنامه نگاری را به اجرا بگذارند و خالی از اضطراب توقیف تنها به نوشته شان بر روی کاغذ متمرکز شوند ، شاید از تعداد انگشتان یک دست هم تجاوز نکند .

در عصری که به نام عصر ارتباطات نامگذاری شده است رفتاری چنین با رسانه های نوشتاری به بهای نابودی پایه های ارتباطی کشور منجر شده و در سال های آینده ایران را در جامعه بین الملل دچار زیان های فراوانی خواهد کرد که جبران این زیان‌ها سالها بر عقب ماندگی کنونی جامعه ایرانی خواهد افزود . سرزمینی که روزگاری بر جهان سروری می کرد.

به هر حال امیدواریم جشنواره مطبوعات فرصتی باشد هم برای روزنامه نگاران و هم برای حاکمیت تا با تعقل بیشتر در راهی که در پیش گرفته اند به آینده ایران و فرزندان ایران بیندیشیم که سد کردن راه ضرر و زیان خود نوعی منفعت است .

جزییات زندگی ایرانیان باستان روی کتیبه های گلی

روزنامه شیکاگو ساندی تایمزهفته پیش در مقاله ای به قلم دیو نیو بارت پیرامون بازگرداندن ۳۰۰ کتیبه گلی دوران هخامنشی از دانشگاه شیکاگو به ایران ، نوشت ؛ در ایران باستان ، کارگران ساده روزانه معادل یک و نیم لیتر جو دریافت می کرده‌اند ، و زنانی که تازه زایمان کرده بودند جیره بیشتری داشتند ، اما اعضای خاندان سلطنتی بیش از دیگران و بیش از نیازشان جیره داشتند.

این جزییات کوچک در مورد ایرانیانی که ۲۵۰۰ سال پیش زندگی می کرده‌اند روی الواحی گلی نقش شده است که از سال ۱۹۳۷ در موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو نگه‌داری شده است. با آن که بسیاری از این الواح و اسناد تاریخی به طور کامل بررسی و مطالعه شده است ، دانشگاه شیکاگو به دلیل بروز انقلاب اسلامی و بسته شدن درهای رابطه بین دو کشور ایران و آمریکا در سال ۱۹۷۹ تاکنون نتوانسته است آنها را به ایران بازگرداند.

اما روز چهارشنبه نهم اردیبهشت این دانشگاه اعلام کرد که ۳۰۰ عدد از این الواح را به همراه هیاتی به ایران می فرستد. این رخداد نتیجه کنفرانس اوت گذشته بود که در ایران و با هدف باز کردن درهای روابط فرهنگی برگزار شد. گیل استاین ، رییس موسسه شرق شناسی ، ضمن اعلام این که دانشگاه شیکاگو اولین مرکزی است که به این دعوت پاسخ گفته است گفت: «ایرانیان دانش و پژوهش را بر سیاست مقدم دانسته‌اند و این الواح جزء اولین اسناد و مدارک فرهنگی است که پس از انقلاب ایران به این کشور بازمی گردد.»

این حرکت ایران برای برقراری مجدد روابط بسیار معقول است ، مخصوصا آن که دانشگاه شیکاگو بیشتر تعداد این الواح را در اختیار دارد. از سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۳۹ ، موسسه شرق‌شناسی ۱۵ تا ۳۰ هزار لوح را که از حفاری‌ها در تخت جمشید در مرکز ایران به دست آمده بود به این دانشگاه منتقل کرد.

ریچارد هالاک ، پژوهشگر موسسه شرق‌شناسی ، ۴۰ سال را صرف ترجمه این الواح کرده است که به گونه‌ای از زبان میخی به نام ایلامی نوشته شده است. او پژوهش‌های بنیادی خود در مورد ۲۱۰۰ عدد از این الواح را منتشر کرده است. این موسسه در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۵۱ نیمی از این الواح را به ایران بازگردانده ، و تاکنون موفق به تجزیه و تحلیل ۱۵ درصد از آنها شده است.

به گفته گیل استاین ، طبق توافق‌نامه دانشگاه شیکاگو با ایران ، عده‌ای از دانشجویان ایرانی برای آموختن زبان ایلامی و بررسی این اسناد تاریخی به این دانشگاه خواهند رفت.

پس از مذاکرات سازمان میراث فرهنگی ایران بابخش شرق شناسی دانشگاه شیکاگو ، اعلام شد این دانشگاه ، ۳۰۰ لوح گلی باستانی را که حاوی اطلاعاتی در مورد زبان‌ها و زندگی روزمره مردم در امپراتوری ایران است ، به ایران بازمی گردانند.

در همین اطلاعیه آمده بود که جیل استاین ، مدیر این موسسه ، در راس هیاتی این الواح را با خود به ایران خواهد آورد

نخستین مجموعه کتیبه های گلی تخت جمشید تحویل ایران شد

بالاخره با پیگیری های سازمان میراث فرهنگی ، ۳۰۰ لوح باستانی هخامنشی ظهر روز شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ طی مراسمی با حضور گیل استاین مدیر مرکز شرق شناسی دانشگاه شیکاگو ، سید محمد بهشتی رییس سازمان میراث فرهنگی ، مدیر موزه ملی و جمعی دیگر از مدیران میراث فرهنگی به موزه ملی ایران تحویل شد.

به گزارش میراث خبر ، در ابتدای این مراسم سید محمد بهشتی و گیل استاین پیرامون اهداف علمی و پژوهشی چنین مبادلاتی ، به گفت و گو پرداختند. همچنین دو طرف ابراز تمایل کردند با امضای تفاهم نامه جداگانه دیگری ، از این پس شاهد گسترش همکاری های علمی و پژوهشی میراث فرهنگی ایران و موسسه شرق شناسی شیکاگو باشیم.

گیل استاین با اشاره به زمینه های مناسب همکاری در این باره گفت: «در حال حاضر با توجه به توافقاتی ، هر کتابی که در دانشگاه شیکاگو پیرامون میراث فرهنگی ایران منتشر می شود ، با توافق سازمان میراث فرهنگی و به همراه مهر این سازمان است.»

> در حال حاضر با توجه به توافقاتی ، هر کتابی که در دانشگاه شیکاگو پیرامون میراث فرهنگی ایران منتشر می شود ، باید با توافق سازمان میراث فرهنگی و به همراه مهر این سازمان باشد

او همچنین به تمایل خود و موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو برای برگزاری کارگاه های آموزش و تحقیقات در موزه ها و شهرهای مختلف ایران تاکید کرد.

سید محمد بهشتی نیز ضمن قدردانی از حسن نیت موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو افزود: «باید ظرفیت های همکاری علمی و پژوهشی دو طرف ، شناسایی و پروژه های معین و مشخصی برای کار برگزیده شوند تا به نتایج عملی پردامنه تری دست یابیم.»

استاین همچنین در گفت و گو ی اختصاصی با میراث خبر ، در مورد اهمیت این کتیبه ها گفت: «این لوح ها دنیای داخلی جهان هخامنشیان و جزییاتی از زندگی روزمره مردم و نظام اداری هخامنشیان را برای ما بازگو می کنند. اطلاعاتی که در هیچ یک از الواح و کتیبه های بزرگ به چشم نمی خورد.»

۳۰۰ کتیبه ای که امروز به ایران بازگردانده شد ، بخشی از الواحی است که باستان شناسان موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۳۳ هنگام کاوش در تخت جمشید یافته بودند. استاین درباره تعداد این الواح گفت: «از آن جایی که بسیاری از این الواح خرد شده اند ، تعیین تعداد دقیق آنها کار مشکلی است. اما ما تخمین می زنیم که حدود ۲۰۰۰ لوح کامل و تعداد بسیار زیادی خرده های الواح در اختیار دانشگاه شیکاگو باشد.»

دانشگاه شیکاگو پیش از این کتاب هایی حاوی ترجمه نوشته های الواح و نقوش مهرهای آنها به چاپ رسانده است. کتاب دو جلدی ترجمه الواح که حاوی ترجمه ۲۱۰۰ لوح و خرده لوح است ، در سال ۱۹۶۹ و نخستین جلد از سری سه جلدی نقوش مهر در سال ۲۰۰۲(۱۳۸۱) چاپ شده است.

استاین همچنین در مورد ترجمه این الواح در دانشگاه شیکاگو گفت : «این الواح به یکی از لهجه های خاص زبان عیلامی نوشته شده اند ، که خواندن و ترجمه آنها را بسیار مشکل و وقت گیر می کند. تنها چند نفری در دنیا قادر به خواندن این زبان هستند و در نیم قرن گذشته جرج کامرون ، ریچارد هلاک و در حال حاضر ماتیو استاپلر روی ترجمه این الواح کار کرده اند.»

۳۰۰ لوحی که امروز به ایران بازگردانده شد ، نخستین سری از الواح مکشوفه در تخت جمشید است . استاین همچنین در مورد زمان بازگشت بقیه الواح توضیح داد: « امیدواریم در آینده و با ترجمه کامل الواح ، تمامی آنها را به ایران برگردانیم. نکته مهمی که مورد تایید مهندس بهشتی و همکاران ایرانی نیز هست ، اولویت کار ترجمه و کارشناسی روی این الواح است. البته از آنجایی که کار روی این الواح بسیار وقت گیر است ، نمی توانم زمان دقیقی برای بازگشت سری بعدی الواح تعیین کنم. اما بنای ما این است که در فواصل زمانی مشخص این الواح را به ایران مسترد کنیم.»

ادامه در صفحه ۲

نمایش منشور حقوق بشر کوروش کبیر در ایران

من برای صلح کوشیدم. من برده داری را برانداختم. به بدبختی آنان پایان بخشیدم.

این جمله برگرفته از نخستین منشور صلح و حقوق بشر در جهان است که به وسیله یک پادشاه ایرانی سروده شده و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می شود. این استوانه گل نبشته منشور کوروش نام دارد.

در سال ۱۲۸۵ شمسی یکی از اعضای گروه کاوش انگلیسی در بین النهرین به نام «هرمز رسام» استوانه ای از گل پخته به دست آورد. گمان نخستین باستان شناسان این بود که این لوح توسط یکی از پادشاهان بابلی نگاشته شده است. اما پس از بررسی خط شناسان مشخص شد که این سنگ نوشته در سال ۵۳۸ پیش از میلاد به هنگام ورود سپاه فاتح ایران به بابل به فرمان کوروش نوشته شده است.

ترجمه و انتشار متن این استوانه گلی نشان داد آن چه از خاک بابل کشف شده ، در واقع «نخستین منشور جهانی حقوق بشر» است. به همین دلیل در سال ۱۳۴۸ در گردهمایی حقوق دانان سراسر جهان که در کنار آرامگاه کوروش برگزار شد ، او را نخستین بنیانگذار حقوق بشر نامیدند.

کوروش در این کتیبه پس از معرفی خود توضیح می دهد پس از فتح بابل بدون جنگ ، خدایان بابلی را از بین نبرد و آنها را گرامی داشت. او به جای آن که در این سرزمین مغلوب چون اسلاف خود به کشتن و غارت اموال مردم بپردازد آنها را آزاد گذاشت تا زندگی خود را از سر گیرند. مهم ترین نکات این صلح نامه ، آزادی مذهبی ، برانداختن رسم برده داری و بازگشت خدایان به سرزمین‌های اصلی خود بود.

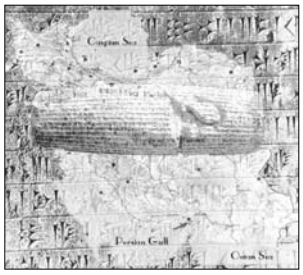

این سنگ نبشته که بخش هایی از آن در اثر مرور زمان دچار آسیب شده است اکنون در بخش شرق باستان موزه بریتانیا نگهداری می شود. مدیر موزه ملی ایران گفت که منشور حقوق بشر کوروش کبیر بنیانگذار سلسله هخامنشی ، در سال ۱۳۸۵ و پس از بازسازی موزه ایران باستان ، در محل این موزه به نمایش گذاشته می شود.

این درحالیست که بی بی سی به نقل از مدیر موزه ملی ایران اعلام کرد که منشور حقوق بشر کوروش سال آینده در ایران به نمایش گذاشته می شود.

منشور کوروش کبیر ، خشت پخته ای به شکل منشور است که در آن مجموعه ای از قوانین رایج آن دوران توسط کوروش پادشاه هخامنشی نگارش شده است .

این اثر که از آن به عنوان اولین منشور حقوق بشر نام برده می شود، یک اثر منحصربه فرد و نادر از تاریخ و تمدن ایران در دوره هخامنشیان است .

محمدرضا کارگر در این باره گفت : طی توافقات انجام شده با مسوولان موزه بریتانیا ، این اثر به مدت دو سال به موزه ملی ایران به امانت سپرده می شود.

وی در پاسخ به این پرسش که بازسازی موزه ایران باستان از چه زمانی آغازمی شود ، گفت : در زمان حاضر گروهی از متخصصان ایرانی و ایتالیایی مشغول طراحی موزه برای مقاوم سازی آن در مقابل زلزله هستند که پس از توافق نهایی طرح بازسازی آغاز می شود.موزه ایران باستان بخشی از موزه ملی ایران است که در خیابان امام خمینی نبش ۳۰ تیر واقع شده است .

مدیر موزه ملی ایران ابراز امیدواری کرد تا کار بازسازی موزه ایران باستان در اواخر سال ۸۳ آغاز شود.

نمایش منشور حقوق بشر کوروش کبیر در موزه ملی ایران در پی توافق سال گذشته مک گریگور رئیس موزه بریتانیا با رئیس موزه ملی ایران صورت می گیرد.

معاون حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی

میراث فرهنگی تنها برای راه اندازی دفتر در عراق، اعلام آمادگی کرده است

معاون حفظ و احیای ابنیه تاریخی سازمان میراث فرهنگی کشور:
مساله حفاظت از میراث فرهنگی ایران در عراق موضوع تازه ای نیست

به دنبال انتشار خبرآمادگی ایران برای مرمت طاق کسرا در عراق ، معاون حفظ و احیای ابنیه تاریخی کشور اعلام کرد که میراث فرهنگی تنها آمادگی خود را برای راه اندازی دفتر ، آنهم با هماهنگی وزارت امورخارجه ایران اعلام کرده است.

«محمد حسن محبعلی» معاون حفظ و احیای ابنیه تاریخی سازمان میراث فرهنگی کشور ، افزود: «سازمان میراث فرهنگی جه در گذشته و چه در حال حاضر ، تلاش هایی به منظور حفاظت از میراث تاریخی و مذهبی عراق انجام داده است .»

وی افزود: «تصمیم ما برای همکاری به منظور مرمت بقعه های تاریخی ایران در عراق از زمان حکومت قبلی آغاز شد که با خبر تخریب بخش هایی از طاق کسری و برخی دیگر از ابنیه تاریخی ـ مذهبی ایران در آن کشور ، مکاتبه های لازم در این زمینه با مقامات عراقی ادامه یافت و مساله حفاظت از میراث فرهنگی ایران در عراق موضوع تازه ای نیست.»

گشایش خانه دانشجویان زرتشتی در تهران

خانه دانشجو برای اسکان دانشجویان زرتشتی مشغول به تحصیل در تهران افتتاح می شود .

به گزارش خبرنگار امرداد ، کار ساخت این خانه دانشجو که در دوره های پیشین انجمن زرتشتیان تهران آغاز شده بود ، در گردش ۳۹ این انجمن به پایان رسید و آیین گشایش آن همراه با جشن خوانی روز ۲۵ اردیبهشت ماه در محل این خوابگاه دانشجویی واقع در خیابان ولی عصر ، بالاتر از طالقانی ، بن بست گلساز برگزار می شود .هنوز هیچ آیین نامه و مقرراتی برای استفاده از این خوابگاه تهیه و تدوین نشده است .

این گزارش می افزاید : کار مرمت و بازسازی تالار پذیرایی قصر فیروزه که سال پیش سقف آن بر اثر آتش سوزی فروریخته بود ، با تلاش گردش ۳۹ انجمن زرتشتیان تهران و به ویژه کمیسیون ساختمان این انجمن به پایان رسیده است و آیین بازگشایی و جشن خوانی این تالار نیز روز ۱۸ اردیبهشت ماه در محل این تالار برگزار خواهد شد . در ضمن انجمن زرتشتیان تهران سرویس رفت و آمد برای حضور زرتشتیان در این آیین در نظر گرفته است .

تلفن‌های تماس با امرداد:
۸۳۲۵۳۳۰
۸۳۲۵۳۳۱
۸۸۲۴۸۰۶
نمابر:
۸۳۲۵۳۲۹

آدرس اینترنتی امرداد
www.amordad.4t.com

«بهار ایران در پاریس» به مدت یکماه برگزار می شود

میراث خبر: پاریس پایتخت فرهنگهای جهان برای مدت یکماه میزبان نمایشگاهی از آثار و جلوه های فرهنگ، هنر، سنت و آئین های ایران زمین به نام بهار ایران در پاریس خواهد بود.این نمایشگاه از روز ۱۷ اردیبهشت آغاز می شود و تا ۲۶ خرداد ادامه می یابد.

این نمایشگاه که با همکاری دفتر نمایندگی ایران در پاریس ، سازمان میراث فرهنگی و سازمان تبلیغات اسلامی برگزار می شود دارای بخش های متعددی است و طبق برنامه پیش بینی شده قرار است حدود یکصد نفر از هنرمندان ایرانی در این برنامه که به«ماه فرهنگی ایران در پاریس» نیز موسوم است شرکت کنند.

بنا بر این گزارش ،برای اجرای نمایش های خیابانی در پاریس ،هماهنگی های لازم به عمل آمده و قرار است گروه های نمایشی از ایران به پاریس اعزام شوند.

علاوه بر آن در پی هماهنگی های صورت گرفته با مرکز سرود کشور، گروه هایی از خراسان و مازندران به اجرای موسیقی محلی و حرکات موزون(رقص چوب) می پردازند.

در بخش هنرهای سنتی این نمایشگاه هم، یک تیم از هنرمندان میراث فرهنگی و رشته های مختلف صنایع دستی ،کارگاه آموزشی برپا می کنند.

همچنین گستردن سفره های ایرانی در کلیسای سن سوپلیس پاریس ، شامل سفره های اقلیت ها و اقوام ایرانی برای معرفی آئین های مختلف از سایر برنامه های این نمایشگاه است .گستردن این سفره ها بر عهده میراث فرهنگی است و خانم نژادی مسول هماهنگی های این برنامه است.

یکی از کارشناسان سازمان تبلیغات اسلامی به نقل از دکتر«حجت الله ابوبی» رایزن فرهنگی ایران در پاریس ذکرمی کند که در طی ۴۰ سال گذشته سابقه نداشته است نمایشگاهی با این وسعت، گستردگی و طول زمان برگزاری از یک کشور خارجی در پاریس برپا شود.

این نمایشگاه در منطقه ۶ پاریس که یکی از مناطق فرهنگی این شهر است و اکثریت مدارس عالی و دبیرستان های مهم و دانشگاه های معتبر در آن واقع شده اند، برگزار می شود.

به رغم این که برگزاری چنین نمایشگاه هایی از فرهنگ ایران در سایر کشورهای جهان سابقه خیلی طولانی ندارداما به نظر می رسد طی سالهای گذشته موجی از اقبال جهانی به سینما و فیلم های ایرانی در گرفته که در شناسایی و معرفی فرهنگ و هنر ایران به جهان بی تاثیر نبوده است .پس از آن نیز برگزاری نمایشگاه ۷ هزار سال هنر ایران در وین و مادرید وسایر شهرهای اروپایی این روند را تقویت نموده است. هم اکنون نیز نمایشگاه «دوردست نزدیک» که شامل معرفی و نمایش آثار فرهنگی ایران است در خانه فرهنگهای جهان در برلین برپاست. در پی چنین رخدادهایی است که شهرداریهای پاریس برای برگزاری نمایشگاه های مختلفی در ارتباط با فرهنگ ایرانی اشتیاق نشان می دهند.

شایان ذکر است نمایشگاه بهار ایران در پاریس نیز با اقدامات و همکاریهای شهرداری منطقه شش پاریس برگزار خواهدشد.

موبد مهربان فیروزگری از سوی انجمن زرتشتیان تهران برای ارایه و معرفی سفره های آیینی زرتشتیان مانند گواه گیری ، هفت سین ، گاهنبار ، سدره پوشی و ... به فرانسه اعزام شده است .

نمایش جلوه های فرهنگ، هنر و آئین های ایران زمین در پاریس

با نزدیک شدن پایان مهلت مقرر ایران برای ارایه گزارش به یونسکو

برج جهان نما همچنان بر میدان نقش جهان سایه افکنده است

در پی عدم توافق میان سازمان میراث فرهنگی کشور و مسئولان شهری اصفهان به ویژه شهرداری درباره کاهش ارتفاع «برج جهان نما» که حریم میدان تاریخی «نقش جهان» را نقض کرده است، مدیر کل میراث فرهنگی اصفهان با ارسال نامه ای به استاندار اصفهان خواست تا با توجه به مهلت معین ایران برای ارایه گزارش به یونسکو، تدابیر شایسته ای در این زمینه اتخاذ کند.

به گزارش «میراث خبر»، در آخرین جلسه کمیته فنی کاهش ارتفاع برج جهان نما که در اسفند ماه ۸۲ برگزار شد، طرفین با استناد به دلایل خاص خویش به توافق مشخصی نرسیدند و شهرداری اصفهان با وجود موافقت های مکرر پیشین در مورد خراب کردن ۴ طبقه بالایی برج و نیمه تمام گذاردن ۴ طبقه دیگر، در جلسه یاد شده معتقد بود که تنها با کاهش ۲ طبقه مشکل نقض حریم میدان نقش جهان حل خواهد شد و این عقیده موجب شد که عمر کمیته فنی بدون دستیابی به هیچ نتیجه ای پایان یابد.

این وضعیت در حالی پیش آمده که سازمان میراث فرهنگی کشور تا اول اردیبهشت سال جاری باید گزارش وضعیت کاهش یا عدم کاهش ارتفاع برج جهان نما را به یونسکو ارایه دهد و یونسکو بر مبنای آن تصمیم بگیرد که میدان نقش جهان را در زمره میراث جهانی در خطر قرار دهد یا خیر. ولی با شرایط کنونی هنوز هیچ گزارشی تهیه نشده است.

«محمد حسن محبعلی» معاون حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی در این باره به «میراث خبر»، گفت: «تاکنون گزارش خود را با توجه به مهلت مقرر، به یونسکو نفرستاده ایم و در واقع عدم همکاری مسئولان شهری اصفهان در این زمینه، وضعیت کنونی را فراهم آورده است.»

وی افزود: «قرار است یونسکو در اجلاس تیرماه که در کشور چین برگزار می شود در این باره تصمیم گیری کند و از آن جا که ایران تاکنون گزارشی به آنها نداده این احتمال می رود که میدان نقش جهان در فهرست میراث جهانی در خطر قرار بگیرد.»

برج جهان نما که در فاصله ۷۰۰ متری میدان نقش جهان ساخته شده ۴۸ متر ارتفاع دارد و کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و یونسکو معتقدند که ارتفاع زیاد این برج حریم میدان نقش جهان را نقض کرده است. از این رو سازمان میراث فرهنگی با سازمان ها و نمادهای دولتی از جمله شهرداری اصفهان وارد مذاکره شد تا از ارتفاع جهان نما کاسته شده و با توجه به پشتیبانی رسانه های گروهی و مردم از این قضیه، شهرداری اصفهان در چند نوبت موافقت کرد آن را تعدیل کند لیکن هر بار در لحظه آخر از اجرای مفاد توافق سرباز زده است.

«امرداد» ۱۷ تا ۲۴ اردیبهشت در نمایشگاه مطبوعات

هفته نامه امرداد از ۱۷ تا ۲۴ اردیبهشت امسال درسالن شماره دو یازدهمین نمایشگاه مطبوعات شرکت خواهد کرد .

یازدهمین نمایشگاه مطبوعات سه روز دیر تر از هفدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب و در کنار این نمایشگاه در محل دایمی نمایشگاه های بین المللی تهران برگزار می شود .هفته نامه امرداد امسال نیز همانند دو سال گذشته در کنار بسیاری از نشریات مطرح کشور در این نمایشگاه شرکت خواهد کرد .

غرفه امرداد در سالن شماره دو چشم انتظار دوستداران فرهنگ زرتشتی و ایرانی و خوانندگان است . مدیر مسئول ، سردبیر و دبیران سرویس مختلف این هفته نامه در روزهای نمایشگاه آماده پاسخگویی به شما هستند . همچنین امرداد در نظر دارد تا از چند تن از آگاهان دینی و فرهنگی جامعه زرتشتی برای حضور و پرسش و پاسخ با دوستداران دین و فرهنگ زرتشتی دعوت به عمل آورد .

سرکنسول ایران در هند:

نوروز نماد مقاومت ایرانیان است

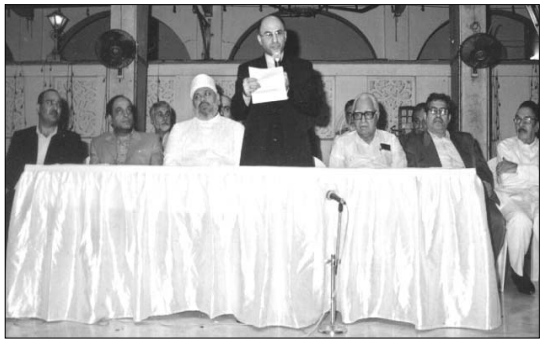

نوروز نماد مقاومت در برابر مخالفان غیر سیاسی و نمادی با شکوه از استقلال ،احترام ،شأن و وقار مردمان مهمان نواز ایرانی است.

به گزارش خبرنگار امرداد ،محمد شکرانی سرکنسول ایران در هند که به مناسبت نوروز و مراسم گاهنبار به دعوت انجمن زرتشتیان ایرانی- بمبئی در بین زرتشتیان ساکن در هندوستان حضور داشت با بیان این مطلب افزود : پیام اجتماعی نوروز همبستگی و بشر دوستی است.

وی با اشاره به آیین گاهنبار از آن به عنوان یک فرهنگ بیدار کننده یاد کرد و به زنده نگه داشتن این مراسم و همچنین حفظ زبان فارسی به عنوان زبان مادری تأکید کرد.

دستور جی خورشید جی کیقباد دستور ،موبد موبدان با اشاره به آتش روشن «اودوادا» بر حفظ آیین های باستانی مانند نوروز و گاهنبار تأکید کرد و گفت: قدیمی ها می گفتند که اگر روزی گاهنبار را متوقف کنیم ،کارهای پلید و شیطانی تمام دنیا را پر خواهد کرد.

داریوش زین آبادی ،منشی انجمن زرتشتیان ایرانی- بمبئی نیز با اشاره به نوروز و اینکه این جشن به زمان جمشید می رسد گفت:نوروز مراسم ویژه ای است که ایرانیان سرما و یخبندان زمستان را به سرانجام می رسانند و به استقبال فصل خوش آب و هوای بهاری می روند.

به گزارش خبرنگار اَمرداد ، همچنین در این مراسم افلاطون خداداد شکری رئیس انجمن زرتشتیان ایرانی -بمبئی به تمامی میهمانان ایرانی و غیر ایرانی خوش آمد گفت. سهراب دهموبد از متولیان این انجمن نیز بر روح بزرگ مانکجی لیمجی هاتاریا(سودرسان) درود فرستاد و گفت: او کسی بود که هدفش بهبود شرایط زرتشتیان ایرانی در قرن نوزدهم بود و زرتشتیان هیچگاه او را فراموش نخواهند کرد.

کاشانی نژاد معاون سرکنسولگری ایران ،عیسی ابوطالبی مدیر عامل ایران ایر ،علی یوسفی مسئول خانه فرهنگ ایران در هند ،کاوسجی دینشاه رئیس ایران لیگ ، رستم تیرانداز معاون شهردار بمبئی و خانم همای مدی متولی کاما انستیتو از دیگر مهمانان شرکت کننده در این مراسم بودند.

ادامه از صفحه ۱

نخستین مجموعه کتیبه های گلی تخت جمشید تحویل ایران شد

از آنجایی که این الواح بسیار شکننده است، شرایط مراقبت و نگهداری خاصی را می طلبد. لورا دآلساندرو، مسئول حفاظت آثار موزه موسسه شرقی دانشگاه شیکاگو که برای تحویل این الواح به ایران سفر کرده است، درباره شرایط نگهداری الواح به میراث خبر گفت : «نکته مهم در مورد نگهداری این الواح، ثابت ماندن درجه حرارت و به ویژه میزان رطوبت محل نگهداری آنها است. میزان رطوبت ایده آل برای نگهداری این الواح، بین ۴۰ تا ۴۵ درصد است.»

در همین رابطه «محمد رضا کارگر» مدیر موزه ملی به خبرنگار «میراث خبر»، گفت: «بحث تحویل این الواح از مدت ها پیش مطرح بود که خوشبختانه بخشی از آنها امروز محقق شد. اما در صدد هستیم، با هماهنگی های لازم، سایر کتیبه ها نیز به مرور به ایران تحویل داده شود.»

اما با توجه به علاقه مندی مسئولین ایرانی و مرکز شرق شناسی دانشگاه شیکاگو، چه زمانی شرایط برای امضا تفاهم نامه های جدید، جهت انجام کارهای پژوهشی و علمی مهیا خواهد شد؟در این مورد وطن دوست مسول دفتر روابط بین الملل سازمان میراث فرهنگی گفت : ظرف چند روزی که این کارشناسان و پژوهشگران در ایران هستند، سعی می کنیم پیش نویس تفاهم نامه های جدید پیرامون همکاری آزمایشگاهی، مرمت، پژوهش و... آماده شود اما پس از آماده شدن متن ها باید آنها را به وزارت خارجه بفرستیم تا در صورت تایید، به امضا طرفین برسد.

این کتیبه ها که به قول سید محمد بهشتی متعلق به دبیرخانه مرکزی حکومت هخامنشی هستند، می توانند منشا تحقیقات گسترده ای در زمینه تکمیل اطلاعات درباره نحوه حکومت و اداره ایران در آن روزگار باشد. دکتر سعید عریان رییس پژوهشکده زبان و گویش نیز در این باره به میراث خبر گفت: «البته قرائت و آوانگاری این لوح ها کار بزرگی است، اما می تواند زمینه اصلی برای تحقیقات و پژوهش درباره اوضاع اداری، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دوران هخامنشی باشد.»

وی درباره فعالیت های مرکز شرق شناسی شیکاگو در این زمینه ها و نیز نتایج حاصل از این تحقیقات گفت: «قطعا فعالیت هایی در این زمینه انجام داده اند. کما این که انگلیسی ها هم در این زمینه ها کار کرده اند، اما من اطلاع دقیقی درباره نتایج آنها ندارم. اما تصور می کنم در تفاهم نامه مشترکی که قصد امضا آن وجود دارد، باید نوع و شکل همکاری مطالعاتی و پژوهشی ما و آنها مشخص شود تا بتوانیم به مبادله اطلاعات پرداخته و فعالیت های مشترکی را آغاز کنیم.»

شاهرخ رزمجو مدیر بخش هخامنشی موزه ملی ایران نیز درباره اهمیت این الواح گفت: «این ها در واقع متن هایی اداری هستند که از باروی تخت جمشید و به دست آماده است. این متون در کنار متن های سلطنتی می تواند ما را برای ترسیم فضای کلی جامعه آن روزگار یاری کند.»

او با اشاره به این که متن کامل این الواح توسط دانشگاه شیکاگو به چاپ رسیده است، افزود: «اما به طور قطع تحقیق بر مبنای اصل الواح و در دسترس بودن آنها از اهمیت به سزایی برخوردار است.»

رزمجو درباره متن این الواح افزود: «در بین آنها، الواحی درباره پرداخت هایی که به کارگران، مادران، پیک ها، کاروان های مسافرتی، همچنین مکاتبات اداری وجود دارد. نکته جالب این است که با توجه به این اسناد می توانیم به میزان دستمزدهای آن روزگار که ظاهرا بسیار هم عادلانه بوده است، پی ببریم.»

و درباره پروژه های مشترک علمی و پژوهشی میراث فرهنگی با مرکز شرق شناسی دانشگاه شیکاگو افزود: «همکاری های علمی و پژوهشی اکنون هم تا حدودی وجود دارد. اما با امضای تفاهم نامه جدید، ما می توانیم فعالیت های گسترده تر و موثرتری نیز داشته باشیم.»

کنسرت موسیقی آوازی زرتشتیان منطقه ایلام

میراث خبر: به مناسبت هفته میراث فرهنگی کنسرتی از موسیقی آوازی زرتشتیان منطقه ایلام در شهرهای این استان برگزار می شود.

مصطفی بیگی مدیر میراث فرهنگی استان ایلام درباره اجرای این برنامه گفت: «بین موسیقی های این منطقه، نغمه هایی از آوازهای مغ های زرتشتیان مانده است که در مقام های مختلفی خوانده می شود. این آوازها به «هوره» نامیده می شوند و از زنجمویه های عاشقانه آغاز می شود و با اشعار عرفانی، ملی و حماسی ادامه می یابد. در پایان نیز بخشی به صورت شادیانه در آن اجرا می شود که به «گورانی» شهرت دارد.»

وی درباره پیشینه این آوازها گفت : «در افکار عمومی این منطقه مردم این آوازها را متعلق به باربد و نکیسا می دانند. و همین نشان از اهمیت این آوازها در گذشته دارد. که البته اگر این افکار افسانه هم باشد، نشانگر اهمیت ایلام در زمان ساسانیان است. ایلام در آن زمان به واسطه حضور در مثلث فارس، تیسفون و بیستون محل عبور و مرور تمدن های بزرگ بود و دور از انتظار نیست که باربد و نکیسا در آن جا آوازهایی خوانده باشند و یا مردم آوازهایشان را منسوب به آنها بدانند.»

بیگی با اشاره به بی توجهی نسل جوان به موسیقی «هوره» گفت: «این موسیقی چون آوازی است، تحت الشعاع موسیقی روز قرار گرفته و نسل جوان دیگر ارتباطی با آن ندارند و کسانی که آن را اجرا می کنند، مسن ترین هنرمندان منطقه هستند. در سال های گذشته بر روی انواع موسیقی های این منطقه تحقیق شد، اما متاسفانه هیچ گونه تحقیقی روی «هوره» صورت نگرفت. ما فکر کردیم چون امسال سال میراث معنوی است، توجه خاصی به این موسیقی باستانی شاید مسئولان را هم جلب کند تا برای تحقیق و جمع آوری آن اعتباری اختصاص دهند.»

با توافق پنج کشور حوزه تمدن ایران

پرونده ثبت نوروز باستانی در فهرست شاهکارهای جهانی به یونسکو ارائه می‌شود

میراث خبر: تکلیف پرونده ثبت نوروز، یکی از قدیمی ترین و بزرگترین جشن‌های تاریخی و فرهنگی جهان ، در فهرست شاهکارهای میراث معنوی یونسکو امروز با توافق کشورهای حوزه تمدن ایران در دفتر یونسکو در ایران روشن می‌شود.

اکنون نزدیک به یک سال است که ایران در تلاش برای ثبت نوروز در فهرست شاهکارهای میراث معنوی جهانی است. قبلا یکبار پرونده ای شامل یک فیلم مستند و گزارشی درباره نوروز از سوی ایران برای ثبت به یونسکو ارائه شده بود که به دلیل وجود برخی نواقص در آن برگردانده شد و قرار شد پرونده کامل تری تهیه شود.

این بار پژوهشکده مردم شناسی پرونده کاملی را برای ارائه به یونسکو تهیه کرده است. امروز و در آخرین روز کارگاه آموزشی « نقش زنان در حفظ و انتقال میراث معنوی» فیلم مستند تهیه شده از برگزاری مراسم نوروز در ایران برای نمایندگان ۸ کشور شرکت‌کننده در این کارگاه آموزشی نمایش داده می‌شود . در صورت جلب نظر نمایندگان این کشورها ،این پرونده از سوی ایران به یونسکو ارائه شود.

از آنجایی که نوروز باستان در حوزه تمدنی ایران یک آئین مشترک قلمداد می‌شود و طبق مفاد کنوانسیون «حفظ میراث فرهنگی معنوی» اگر اثری بین چند کشور مشترک باشد، در این صورت همه کشورها باید به صورت گروهی آن اثر را معرفی کنند. برای ثبت نوروز موافقت لااقل ۵ کشور این حوزه تمدنی مورد نیاز است. روند ثبت یک اثر یا رویداد فرهنگی در یونسکو به این ترتیب است که این سازمان سالانه برای کشورها فرمی می‌فرستد، مهلتی قانونی تعیین می‌کندو حتی برای کشورهایی که نیاز مالی داشته باشند ۲۰ هزاردلار کمک می‌فرستد . پس از آن کشورها ملزم هستند درباره موضوع پیشنهادی خود به یونسکو برای ثبت در آثار جهانی یک فیلم ۱۰ دقیقه ای تهیه کنند .

در سالهای اولیه هرکشور می‌توانست دو یا سه اثر را برای ثبت در فهرست آثار جهانی معرفی کند ولی امسال کشورها فقط حق دارند یک اثر برای ثبت پیشنهاد دهند.علاوه بر این امسال آخرین دوره ای است که پیشنهاد برای ثبت میراث شفاهی از این طریق پذیرفته می‌شود. از سال بعد هر کشوری که به کنوانسیون حفظ میراث فرهنگی معنوی پیوسته باشد می‌تواند رویداد یا آیینی را برای ثبت ، به یونسکو پیشنهاد دهد.

دبیر سرویس
آرش کسروی

همکاران
آرمیتا خوشرو، مهین‌دخت دهندای ، ناتاشا آتشبند
لیلا رفیع زاده، پریناز رستمی ، هومن یگانه

نامه‌ای به پسرم

فرزند من ! چند بیش نیست که تو در آغوش من خفته ای و من به نرمی سرت را بر بالین گذاشته و آرام از کنارت برخاسته ام. و اکنون به تو نامه می نویسم . شاید هر که از این کار آگاه شود عجب کند ،زیرا نامه و پیام آنگاه به کار می آید که میان دو تن فاصله یی باشد و من تو و در کنار همیم .

اما آنچه مرا به نامه نوشتن وا می دارد بعد مکان نیست بلکه فاصله زمان است . اکنون تو کوچکتر از آنی که بتوانم آنچه می خواهم با تو بگویم . سالهای دراز باید بگذرد تا تو گفته های مرا دریابی ، و تا آن روزگار شاید من نباشم . امیدوارم که نامه ام از این راه دراز به تو برسد ، روزی آن را برداری و به کنجکی بروی و بخوانی و درباره آن اندیشه کنی .

من اکنون آن روز را ،از پشت غبار زمان ، به ابهام می بینم . سالهای دراز گذشته است . نمی دانم که وضع روزگار بهتر از امروزست یا نیست . اکنون که این نامه را می نویسم زمانه آبستن حادثه هاست . شاید دنیا زیر و رو شود و همه چیز دیگرگون گردد. این نیز ممکن است که باز زمانی روزگار چنین بماند. من نیز همانند هر پدری آرزو دارم که دوران جوانی تو به خوشی و خوشبختی بگذرد . اما جوانی بر من خوش نگذشته است و امید ندارم که روزگار تو بهتر باشد دوران ما عصر ننگ و فساد است و هنوز نشانه ای پیدا نیست از اینکه آینده جز این باشد . آخر ، سال نکو را از بهارش می توان شناخت . سرگذشت من خون دل خوردن و دندان به جگر افشردن بود و می ترسم که سرگذشت تو نیز همین باشد .

شاید بر من عیب بگیری که چرا دل از وطن برنداشته و تو را به دیاری دیگر نبرده ام تا در آنجا با خاطری آسوده تر بسر ببری . شاید مرا به بی همتی متصف کنی . راستی آن است که این عزیمت بارها از خاطرم گذشته است. اما من و تو از آن نهالها نیستیم که آسان بتوانیم ریشه از خاک خود برکنیم و در آب و هوایی دیگر نمو کنیم . پدران تو ، تا آنجا که خبر دارم ، همه با کتاب و قلم سر و کار داشته اند ، یعنی از آن طایفه بوده اند که مامورند میراث ذوق و اندیشه گذشتگان را به آیندگان بسپارند . جان و دل چنین مردمی با هزاران بند و پیوند به زمین و اهل مین خود بسته است . از اینهمه تعلق گسستن کار آسانی نیست .

اما شاید ماندن من سببی دیگر نیز داشته است . دشمن من که «دیو فساد»است دراین خانه مسکن دارد . من با او بسیار کوشیده ام . همه خوشی های زندگیم در سر این پیکار رفته است . او بارها از در آشتی در آمده و لبخند زنان در گوشم گفته است :

«بیا ! بیا ! که در این سفره آنچه خواهی هست.»

اما من چگونه می توانستم دل از کین او خالی کنم ؟ چگونه می توانستم دعوتش را بپذیرم ؟ آنچه می خواستم آن بود که «او»نباشد.

اینکه ترا به دیاری دیگر نبرده ام از این جهت بود که از تو چشم امیدی داشتم . می خواستم که کین مرا از این دشمن بخواهی . کین من کین همه بستگان و هموطنان من است . کین ایران است . خلاف مردی دانستم که میدان را خالی کنم و از دشمن بگریزم . شاید تو نیرومند تر از من باشی و در این پیکار بیشتر کامیاب شوی .

اکنون که اینجا مانده ایم و سرنوشت ما این است باید به فکر حال و آینده خود باشیم . می دانی که کشور ما روزگاری قدرتی و شوکتی داشت . امروز از آن قدرت و شوکت نشانی نیست . ملتی کوچکیم و در سرزمینی پهناور پراکنده ایم . در این زمانه کشورهای عظیم هست که ما ، در ثروت و قدرت با آنها برابری نمی توانیم کرد. امروز ثروت هر ملتی حاصل پیشرفت صنعت اوست و قدرت نظامی نیز ، علاوه بر کثرت عدد ، با صنعت ارتباط دارد . عدت و آلت ما در جهان امروز برای کسب قدرت کافی نیست و هر چه از دلاوری پدران خود یاد کنیم و خود را دلیر سازیم با حریفانی چنین قوی پنجه که اکنون هستند کاری از پیش نمی توانیم برد.

این نکته را از روی نومیدی نمی گویم و هرگز یاس در دل من راه نیافته است. نیروی خود را سنجیدن و ضعف و قدرت خود را دانستن از نومیدی نیست. دنیای امروز پر از حریفان زورمندست که با هم دست و گریبانند . ما زوری نداریم که با ایشان در افتیم و ،اگر بتوانیم ،حریفانی که بر هم می تازند هر گوهر یا کلوخی که به دستشان بیاید بر سر هم می کوبند و دیگر از او نمی پرسند که به این سرنوشت راضی هست یا نیست .

در این وضع ، شاید بهتر آن بود که قدرتی کسب کنیم ، آنقدر که بتوانیم حریم خود را از دستبرد حریفان نگهداریم و نگذاریم که ما راآلتی بشمارند و در راه مقصود خویش به کار برند . اما کسب این قدرت مجالی می خواهد و معلوم نیست که زمانه آشفته چنین مجالی به ما بدهد .

پس اگر نمی خواهیم یکباره نابود شویم باید در پی آن باشیم که برای خود شان و اعتباری جز از راه قدرت مادی به دست بیاوریم ، تادیگران به ملاحظه آن ما را به چشم اعتنا بنگرند و جانب ما را مراعات کنند؛و اگر گردش زمانه ما را به ورطه نابودی کشید ، باری آیندگان نگویند که این مردم لایق و سزاوار چنین سرنوشتی بوده اند.

این شان و اعتبار را جز از راه دانش و ادب حاصل نمی توان کرد. ملتی که رو به انقراض می رود نخست به دانش و فضیلت بی اعتنا می شود . به این سبب برای مردم امروز باید دلیل و شاهد آورد تا بدانند که ارزش ادب و دانش چیست . اما پدران ما این نکته را خوب می دانستند و تو می دانی که اگر ایران در کشاکش روزگار تا کنون به جا مانده و قدر و آبرویی دارد سببش جز قدر و شان هنر و ادب آن نبوده است .

جنگ ها و فیروزی ها اثری کوتاه دارند. آثار هر فیروزی تا وقتی دوام می یابد که شکستی در پی آن نیامده است. اما فیروزی معنوی است که می تواند شکست نظامی را جبران کند. تاریخ گذشته ما سراسر برای این معنی مثال و دلیل است . ولی در تاریخ ملتهای دیگر نیز شاهد و برهان بسیار می توان یافت . کشور فرانسه پس از شکست از ناپلئون سوم در سال ۱۸۷۰ مقام دولت مقتدر درجه اول را از دست داده بود . آنچه بعد از این تاریخ موجب شد که باز آن کشور مقام مهمی در جهان داشته باشد دیگر قدرت سردارانش نبود بلکه هنر نویسندگان و نقاشانش بود.

ما نیز امروز باید در پی آن باشیم که چنین نیرویی برای خود به دست بیاوریم . گذشتگان ما در این راه آنقدر کوشیدند که برای ما آبرو و احترامی بزرگ فراهم کردند . بقای ما تا کنون مدیون و مرهون کوشش آن بزرگواران است . امروز ما از آن پدران نشانی نداریم . آنچه را ایشان بزرگ داشتند ما به مسخره و بازی گرفته ایم . دیو فساد در گوش ما افسانه و افسون می خواند. کسانی هستند که جز در اندیشه انباشتن کیسه خود نیستند .دیگران نیز از ایشان سرمشق می گیرند و پیروی می کنند. اگر وضع چنین بماند هیچ لازم نیست که حادثه یی عظیم ریشه وجود ما را برکند. ما خود به آغوش فنا می شتابیم .

اما اگر هنوز امیدی هست آن است که جوانان ما همه یکباره به فساد تن در نداده اند . هنوز برق آرزو در چشم ایشان می درخشد . آرزوی آنکه بمانند و سرافراز باشند . تا چنین شوری در دلها هست همه بدی ها را سهل می توان گرفت . آینده به دست ایشان است و من آرزو دارم که فردا تو هم در صف این کسان در آیی . یعنی در صف کسانی که به قدر و شان خود پی برده اند ، می دانند که اگر برای ایران آبرویی نماند خود نیز آبرو نخواهند داشت . می دانند که برای کسب این شرف کوشش باید کرد و رنج باید برد.

آرزوی من این است که تو هم در این کوشش و رنج شریک باشی.مردانه بکوشی و با این دشمن درون که فسادست به جنگ برخیزی . اگر دراین پیکار فیروز شدی دشمن بیرون کاری از پیش نخواهد برد . و گیرم که بر ما بتازند و کار ما را بسازند باری اینقدر بکوشیم تا پس از ما نگویند که مشتی مردم پست و فرومایه بودند و بماندن نمی ارزیدند !

زان پیش که دست و پا فروبندد مرگ آخر کم از آنکه دست و پایی بزنیم ؟

دکتر پرویز ناتل خانلری در اسفند ماه ۱۲۹۲ شمسی درتهران به دنیا آمده است. پدرش میرزا ابوالحسن خان به زبانهای روسی ، انگلیسی و فرانسوی آشنایی کامل داشت . پرویز خانلری پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به دانشکده ادبیات وارد شد و درجه لیسانس گرفت و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دبیرستانهای رشت به تدریس مشغول شد . در سال ۱۳۲۲ به دریافت درجه دکتری نائل آمد . سپس به اروپا رفت و در زبان شناسی تحصیل کرد . پس از بازگشت در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت . خانلری از ۱۳۲۲ به انتشار مجله سخن دست زد . این مجله تا سال ۱۳۵۷ منتشر می شد . از کارهای دیگر مرحوم خانلری تاسیس بنیاد فرهنگ ایران در ۱۳۴۴ بود. خانلری شاعری توانا و سخنوری والامقام و مترجمی زبردست بود.

از آثار متعدد او به چند اثر اشاره می کنیم : دختر سروان ترجمه از پوشکین ، چند نامه به شاعر جوان ، ترجمه از ریلکه ، تحقیق انتقادی در عروض و قافیه و چگونگی تحول اوزان غزل ، وزن شعر فارسی (رساله دکتری استاد)، دستور زبان فارسی ، تاریخ زبان فارسی ، تصحیح سمک عیار از فرامرز ارجانی و دهها مقاله دیگر .

مرحوم خانلری در شهریور ماه ۱۳۶۹ چشم بر جهان فروبست .

مقاله زیر را مرحوم خانلری در سال ۱۳۳۳ در شماره یک سال ششم سخن نوشته است که با تغییر بسیار جزئی از آن مجله نقل شده است :

مردم در مردم

واژه را با واژه پاسخ گفتید و در آغاز بهاری دیگر با پیام پر از مهر و تبریکات صمیمانه ، امید را به دلهایمان میهمان کردید. امسال نیز ارگانها ، سازمانها و دوستانی از راههای دور و نزدیک پیام تبریک فرستادند.

علیرضا فخر حاجی ، جمشید رضایی ، حمید رضا مرتضایی ، پریرخ خسرویانی (راستی) ، رستم آبادیان ، خسرو دبستانی ، کوروش نیکنام ، رضا استاد سرایی . و همچنین :

گروه کوهنوردی فروهر ، باشگاه اردشیر همتی کرمان ، مهد کودک دکتر بهرام پرورش ، کانون دانشجویان زرتشتی ، سازمان زنان زرتشتی ، انجمن زرتشتیان اصفهان ، انجمن یانشوران مانتره ،انجمن زرتشتیان شیراز ، انجمن زرتشتیان شریف آباد اردکان ، هیئت مدیره سازمان دانشجویان یهود ، نشریه برنامه ، نشریه رفاه ، نشریه ندای یزد ، نشریه آفتاب ، پیغام ، توتیا و مهر بناب

و این هم نامه‌ای از یک دوست کوچولو
به نام عطا پدیدار که دل شکسته است

هر سال خندیدم . هر سال هفت بار
هفت سین را چیدم .
هرسال تخم مرغهارا رنگ کردم اما
امسال ...
امسال صورتم را با اشک رنگ کردم.
امسال دیدم که همه مثل من نمی خندند.
دیدم کسی با پای شکسته روی تخت
افتاده بود و چون هزینه عمل را نداشت
درد می کشید.
امسال فهمیدم که وقتی پدر لای کتاب آسمانی را باز نمی کند.
وقتی دیگر مرا نمی بوسد یعنی چه ؟
وقتی به جای عیدی پدر برگه بیمارستان بر دست گرفتم
فهمیدم چه قدر خوشبخت بودم .
حالا دلم تنگ شده که پدر بگوید یواش ،حالا آرزو دارم پدر
عصبانی باشد ولی سالم .
امسال فهمیدم که برای خیلی ها هیچ وقت نوروزی وجود
ندارد .
امسال تنها به خانه ی مادر بزرگ رفتیم .
خدایا نوروز همه را شادمان بساز و نگذار کودکی با اشک
خود دریا بسازد
آمین

کاربرد نمایش عروسکی در آموزش کودکان استثنایی

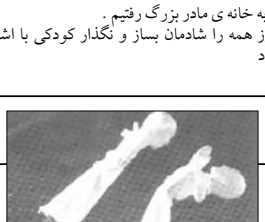

قابلیت های وسیع و کاربردی نمایش عروسکی ، که از مهم ترین وسایل ارتباط جمعی است ، آن را مناسب ترین وسیله جهت آموزش های ویژه کودکان استثنایی نموده است.

نابینایان ، احساس بسیار خوبی از ساختن عروسک به طریق پاپیه ماشه دارند(شیوه لایه های کاغذ و چسب بر روی قالب). یکی از نمایشگران عروسکی که به تازگی نابینا شده معتقد است که شخصیت هایی که او بعد از نابینایی می سازد به مراتب قوی تر از قبل است !!

البته این یک واقعیت است که افراد نابینا عروسک های دقیق تری می سازد چون از حس لامسه ، بهتر استفاده می کنند. ایجاد شکاف های کوچک در سر عروسک و استفاده از باند گچی کمک می کند تا شخص نابینا محل چشم ها و دهان را درعروسک تعیین کند . سپس حتی جزئیات صورت عروسک را خود رنگ نماید و به کمک مستقیم یک شخص بینا عروسک هایش را هدایت کند تا روی صحنه به نمایش در آیند . آنها سریعا دستورها صحنه و حرکات صحیح دست ها و بازوها را در می یابند . برای اجرای نمایش عروسکی ویژه نابینایان ، فقط کافی است آن ها قبل از اجرای نمایش ، عروسک های نمایش یا کلیه کاراکتر ها را لمس کنند و شخصیت آن ها را بشناسند .

در اجرای نمایش عروسکی برای نابینایان کافی است گفتگوی بیشتری درنمایش به کار برده شود تا بهترین و موفق ترین اجرا را برای آنان داشته باشیم . صحنه باید به صورت دایره یا نیم دایره باشد تا تماشا گران به راحتی بتوانند عروسک ها را لمس کنند.

نمایش عروسکی و درمان

از آن جا که ساخت عروسک نیازمند هماهنگی حرکتی و نیروی عضلانی است ، درمانگر بر اساس نیازهای خاص بیماران می تواند نوع خاصی از عروسک را انتخاب نماید که نیازمند کار عضلانی مناسب بیمار باشد. مثلا هماهنگی بین دست و چشم به وسیله روش های ساخت عروسک تامین می گردد و تقویت عضلات ضعیف دست ها می توانند با ساخت سرهای پاپیه ماشه یا عروسک های میله ای تامین گردد.

اگر کودکی نتواند از قیچی استفاده کند اشکال مختلفی از کاغذ رنگی که از قبل بریده شده ، می تواند به کودک کمک کند تا با چسباندن آن ها به یکدیگر فرم دلخواهی خلق کند.

هدایت عروسک همچنین باعث تحریک رشد عضلات می شود . با شناخت نیازها و محدودیت ها بیماران مختلف می توانند عروسک هایی را به روش هایی مختلف هدایت کنند. مثلا برای تقویت انگشتان از عروسک های دستی یا انگشتی و یا برای تقویت عضلات تحتانی یا فوقانی دست استفاده از عروسک هایی که دهان آن ها باز و بسته می شود می توان کمک گرفت .

مایش عروسکی برای کودکانی که دارای مشکلات گفتاری هستند ، به خصوص آن هایی که به دلیل مشکلات عاطفی گرفتار لکنت زبان هستند ، راه گشای خوبی است و صحبت آن ها اغلب در زمانی که از عروسک استفاده می کنند روان می شود ،زیرا آن ها به سختی کوشش می کنند تا عروسک هایشان درک شوند.

هفته نامه سیاسی فرهنگی
امرداد
Amordad
سهامی خاص ثبت شده
سایت امرداد: www.Amordad.4t.com

اشتراک امرداد پاسخی است به نیاز جامعه
امرداد نخستین هفته نامه مستقل زرتشتیان

هزینه اشتراک داخلی (یکساله):
پست‌عادی: ۳۶/۵۰۰ ریال
هزینه اشتراک خارجی (یکساله):
پست عادی: ۱۳۹/۰۰۰ریال

۱- ارسال نشریه برای درخواست هایی که پیش‌از پانزدهم هر ماه به بخش مشترکین برسد از اول ماه بعد آغاز می شود.
شما هم برای استقلال و عدم وابستگی امرداد همت کنید می‌توانید امرداد را از برخی‌از دکه‌های روزنامه فروشی نیز تهیه فرمایید .
۲- پس‌از واریز وجه اشتراک به حساب بانکی ،باتلفن های ۸۳۲۵۳۳۱و۱۲ ۸۸۲۵۲ و ۸۳۲۵۳۳ شماره حواله خود را اطلاع دهید تا بلافاصله در لیست مشترکین امرداد قرار بگیرید.
۳- آدرس به صورت کامل و خوانا نوشته شود. قید شماره تلفن و کد پستی ده رقمی در بهتر رسیدن نشریه بسیار اهمیت دارد.

نشانی: تهران، خردمند شمالی، کوچه ششم، شماره دو، صندوق پستی: ۱۵۸۵۵.۱۴۴

برای اشتراک یا خرید امرداد در تهران و یزد و اهواز می‌توانید به یکی از نمایندگی های امرداد مراجعه نمایید :
۱- تهران ، فروشگاه لوازم التحریر مهرتن میدان فرخبخش ،آقای افسر کشمیری. تلفن: ۸۰۲۴۲۵۶
۲. تهران ، خیابان میرزاکوچک خان ، جنب آدریان تهران ، شماره ۱۰ ،طبقه اول آقای داریوش سلطانی پور تلفن: ۶۷۲۱۴۴۴
۳. کرمان ، خ شهید باهنر، دادبین ۲ پشاه ورهرام ایزد، آقای سهراب شهروان، تلفن: ۲۲۳۳۴۴۱
۴- یزد- نقلاب بزرگمهر، سینما فرهنگ ،کتابفروشی بزرگمهر، آقای فریبرز یزدانی ، تلفن ۵۳۵۲۸۱۲:
۵-یزد- بلوار شهید صدوقی ، روبروی تالار شهر ، کتاب فروشی کوش ، برادران اخوی جو تلفن:۷۲۵۰۱۵۱
۶. اهواز : کیان پارس ، نبش خیابان ۱۷ مجتمع فرهنگی دینی زرتشتیان اهواز آقای تورج - سلطانی پور تلفن‌وکه:۳۳۷۵۵۵۸ باشگاه: ۳۳۷۴۲۷۷

نام و نام خانوادگی : .....
سن : .....تاریخ تکمیل فرم: .....
شماره حواله یا فیش بانک: .....
شهرستان: ..... خیابان: .....
کوچه: .....پلاک : ..... طبقه : .....
کد پستی ده رقمی : .....
تلفن تماس: .....
E.mail: amordad@parsimail.com

نوع پست: ☐ عادی
نوع درخواست: ☐ اشتراک جدید ☐ تمدید اشتراک

می توانید بهای اشتراک را به حساب جاری ۸۷۸/۸ بانک ملت شعبه سازمان صنایع ملی ، کد ۶۳۵۴/۵ (تهران) قابل واریز در کلیه شعب بانک ملت در سراسر کشور به نام جمشید کیومرثی واریز و اصل رسید را به همراه فرم اشتراک تکمیل شده به نشانی : تهران ، صندوق پستی ۱۴۴-۱۵۸۵۵ ارسال نمایید .یا شماره حواله پرداختی خود را با شماره تلفن‌های ۳۱-۸۳۲۵۳۳۰ و ۸۸۲۵۲۱۲ به ما اطلاع دهید .همچنین می توانید از طریق نمایندگی‌های امرداد در تهران و شهرستان‌ها نیز اقدام بفرمایید . نمابر شماره ۸۳۲۵۳۳۹ در تمام مدت آمادهٔ دریافت تصویر فیش بانکی مربوط به پرداخت اشتراک شما خواهد بود.

خصوصیات رشت و گیلان

تحقیق و نگارش :اشکان غایبی

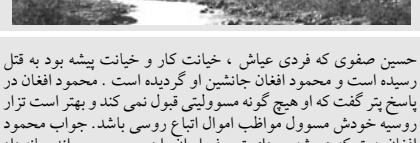

مرکز استان گیلان شهر بسیار مرطوب رشت می باشد . رشت دارای حدود نیم میلیون نفر جمعیت از شمال با بندر انزلی ، از شرق به آستانه ، از غرب با صومعه سرا و از جنوب با سراوان هم مرز است . رشت به همراه شهرهای صومعه سرا ، لاهیجان ، فومن و انزلی از شهرهای پر جمعیت استان گیلان به شمار می روند. گیلان از شمال با جمهوری آذربایجان و دریای خزر ، از شرق با استان مازندران ، از غرب با استان اردبیل و از جنوب با استان قزوین هم مرز است .

اقوام مختلفی در گیلان ساکن هستند که عبارتند از کردها ، تالش ها ، گیلک ها ، ترک ها ، پارس ها ، ارامنه و غیره ...

سابقا گیلان یکی از کانونهای اصلی و بزرگ زرتشتیان محسوب می شد اما هم اکنون از تعداد دقیق زرتشتیان و پیروان سایر ادیان آماری در دست نیست .

محصولات کشاورزی گیلان عبارتند از برنج ، چای ، مرکبات ، سبزیجات ، میوه جات و... چای از عمده ترین محصولاتی است که ۹۰ درصد این محصول در گیلان کشت می شود .

رشت تاریخ خونینی دارد . به خصوص که در زمان روسهای تزاری مصیبت های زیادی دیده است و چندین بار درخطر آن بود که ضمیمه امپراتوری روسیه شود . درزمان پتر روسها رشت را اشغال نمودند و آن را تا مدتی در تصرف داشتند تا اینکه مجددا به ایران بازگردانده شد. در جنگ جهانی اول و دوم روسها باز هم رشت را اشغال نمودند اما روسها بنا به دلایلی مجبور به خروج از رشت گردیدند.

در باره طرز تعریف گیلان به وسیله پتر گفته می شود که تزار مزبور یک مامور سیاسی به دربار سلطان حسین صفوی فرستاد و ادعا کرد که در شهر شمافی اموال بازرگانان روسیه غارت شده و شاه بایستی تاوانش را بپردازد ، اما وقتی مامور سیاسی به اصفهان رسید متوجه شد تا سلطان حسین صفوی که فردی عیاش ، خیانت کار و خیانت پیشه بود به قتل رسیده است و محمود افغان جانشین او گردیده است . محمود افغان در پاسخ پتر گفت که او هیچ گونه مسوولیتی قبول نمی کند و بهتر است تزار روسیه خودش مسوول مواظب اموال اتباع روسی باشد. جواب محمود افغان به پتر که همیشه سودای تصرف ایران را در سر می پروراند بهانه داد که فورا به لشکر کشی بپردازد ، ولی در باکو و شماخی مردم آذری زبان آن مناطق به پتر هشدار دادند چنانچه پا فراتر بگذارد دوش به دوش هموطنان ایرانی و گیلک خود با او جنگ خواهند کرد .

پتر موقتا از تجاوز به خاک ایران صرف نظر کرد ولی یک سال بعد با یک قشون عظیم به گیلان حمله نمود و رشت و قسمتی از گیلان را تصرف کرد. خوشبختانه زمانی که نادر شاه افشار به پادشاهی رسید به تمامی تجاوزات روسها پایان داد تا اینکه در زمان فتحعلی شاه باز روسها به فکر تصرف ایران افتادند . قفقاز ضمیمه روسیه شد . روسها آنقدر به تحریکات خود ادامه دادند تا شاید بتوانند به بقیه قسمتهای ایران مسلط شوند که ناگهان انقلاب اکتبر به خوابهای آنها پایان داد .

رشت دارای آب و هوای معتدل خزری است . بارندگی در رشت بسیار زیاد و میانگین رطوبت هوا در سال ۸۰ درصد است . رشت در زمان شاه عباس دوم صفوی ، کریم خان زند و آغا محمد خان قاجار اهمیت تجاری بسیاری داشته ، زیرا کاروانهای بخارا ، هند ، سمرقند ، ترکیه ، چین و سایر کشور ها از این منطقه می گذشته و راه ابریشم را به بنادر مدیترانه و خلیج فارس متصل می ساخته است.

گیلان سرزمین دلاوران و اندیشمندانی همچون مرداویج ، بابک خرم دین ، دکتر معین و استاد پورداوود است .

با تشکر و سپاس
اشکان غایبی - رشت

دبیر سرویس
پریسا رستمی
همکاران
این شماره:
فیروزه ماوندادی ، آرمیتا خوشرو،
بهاره کیومرثی ، فریبا سرداری، بهمن دهنادی ،
مریم حرمان

در میان آتش و خون ای وطن ، من با توام
ور بباید گفت ترک جان و تن ، من با توام
گر بهارستان شوقی ور خزانستان حزن
مصلحت جویی نمی اید ز من ، من با توام
خصم ایران کز زبان اجنبی گوید سخن
هر چه می خواهد بگوید، بی سخن من با توام
عاشقان را هر سری در کار سودایی شود
اندرین هنگامهٔ جان باختن ، من با توام
گرم می دارد به کار زندگانی سال و ماه
هر دلی را آرزوی خویشتن ، من با توام
نیست غم گر روز شادی بهرهٔ رندان شود
خوان رنگین تو ، در روز محسن من با توام
دیده‌ای سبزینه با سرو و سمن آمیخته
همچنان سبزینه با سرو و سمن من با توام
نیست پروای سر و زر در ره عشقت مرا
عاشقم تا پای جان چون کوهکن ، من با توام
گر بر اوج آسمانم یاحضیض خاکدان
هر کجا بینی درین دیر کهن من با توام
مرگ هم پیوند ما مگسلد از هم که باز
در دل گور و در آغوش کفن من با توام
ترک مادر کی تواند گفت فرزند شریف
ای گرامی مادر من ای وطن ، من با توام

استاد یداله بهزاد

از نیلوفر آبی

سیمین دانشور

اردیبهشت ، سالروز تولد بانوی داستان نویسی ایران

هشتم اردیبهشت ماه، سالروز تولد سیمین دانشور بانوی داستان نویسی ایران بود. او در آستانه هشتاد و سه سالگی با اشاره به این موضوع که جلد سوم جزیره سرگردانی ادامه جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان است می گوید: «به زودی کار بازنویسی آن به پایان می‌رسد و آن را به چاپ می رسانم.»

این بانوی داستان سرا در هشتم اردیبهشت ۱۳۰۰ در شهر شیراز به دنیا آمد. پدرش محمد علی دانشور (احیا السلطنه) بود.

همان کسی که سیمین در رمان سووشون به نام دکتر عبداله خان یاد می کند. احیا السلطنه مردی با فرهنگ و ادب بود و عضو گروه حافظیون که شب های جمعه بر سر مزار حافظ جمع می شدند و یاد حافظ را زنده نگه می داشتند. مادر سیمین قمر السلطنه نام داشت ، بانوی شاعر و هنرمند که نقاشی را به فرزندانش آموخت. سیمین دانشور در مورد مادرش و روز تولدش گله می کند: «همیشه و همه جا نام مادر و روز تولدم اشتباه چاپ شده است.»

این بانوی داستان سرا از کودکی با ادبیات و هنر توسط مادر و پدرش آشنا شد و در دوره تحصیل به مدرسه مهر آیین شیراز رفت. سپس به تهران آمد و وارد رشته ادبیات دانشگاه تهران و در سال ۱۳۲۹ با دفاع از رساله خود در مورد «زیبایی شناسی» موفق به کسب درجه دکترا از این دانشگاه شد. او یکی از نخستین زنانی است که در ایران دست به قلم برد و در عرصه داستان نویسی بخت خود را آزمود. او در سال ۱۳۲۹ با جلال آل احمد از نویسندگان مطرح تاریخ ادبیات ایران آشنا شد و ازدواج کرد و تا سال ۱۳۴۸ که جلال به طور ناگهانی در اسالم نقاب خاک بر چهره پوشید، با وی همراه بود. دکتر دانشور تا سال ۱۳۵۹ که به درخواست خود از دانشگاه بازنشست شد به تدریس در دانشگاه هنر و ادبیات مشغول بود. از او مجموعه داستان ها و رمان هایی به چاپ رسیده است که عبارتند از: «آتش خاموش»، «شهری چون بهشت»، «به کی سلام کنم»، «سووشون» و دو جلد از «جزیره سرگردانی». ایشان همچنین کتابی به نام «غروب جلال» دارد که در آن به مرگ نابهنگام جلال اشاره می کند. سووشون او یکی از نمونه های مطرح رمان فارسی است که تا به حال به شانزده زبان زنده جهان ترجمه شده است. سیمین دانشور درباره این کتاب می گوید: «به تازگی در دانشگاه سوربن فرانسه به معرفی این کتاب پرداخته اند و برنامه ای برای آن برگزار کرده اند.»

سیمین درباره خاطراتش می گوید: «تمام خاطراتم را از اول عمر تا به حال نوشته ام که پس از مرگم به چاپ خواهد رسید.»

سازمان میراث فرهنگی چندی پیش به درخواست خود استاد، خانه‌ای که او و جلال آل احمد در آن زندگی می کردند را ثبت کرده است. سیمین دانشور آرزو دارد پس از مرگ وی این خانه تبدیل به یک کانون فرهنگی برای استفاده هنرمندان و نویسندگان شود.

دانشور سرشار از دید واقع گرا به انسان و هستی ، سرشار از مهر و اعتماد، نیرومند و خستگی ناپذیر ،حضوری جاودان و نمونه در ادبیات ما دارد. سووشون او به شکل نمادین مادر رمان فارسی است... .حضور ارزش گذار او در این زمانه که ارزش ها یمان در گذار و بحران هستند مانند سنگ محک عمل می کند.

درست است که در زمانه ای زندگی می کنیم که سنت ارزش هایمان اصل اساسی است و به فرا سوی نیک و بدها گذار می کنیم . اما ادبیات سیمین دانشور و حضور او درست مانند یک حافظه تاریخی و فرهنگی ، همواره به ادبیات ما یادآور می شود: لزوم سربلندی قلم را، پاکی بی‌ریایی قلم را، و لزوم تن ندادن به حقارت هایی که با نشان دادن دریچه هایی از اندکی شهرت نویسنده و هنرمند را به ورطه فلاکت و نابودی می‌کشانند.

پایان حرف های حسابی

گل آقا درگذشت

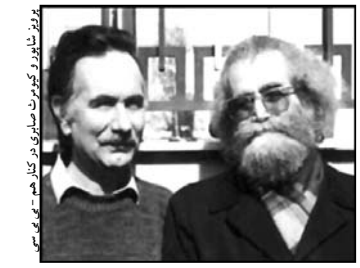

پرویز شاپور و کیومرث صابری در کنار هم - عکس سی

سوفاف

متولد صومعه سرا بود و در جوانی پدرش را از دست داده و از همان آغاز عهده دار زندگی خانواده شده بود. در جوانی به تهران آمد و تا دوره فوق لیسانس ، ادبیات تطبیقی خواند.

از همان ابتدا، کارش را با هفته نامه توفیق که توسط خانواده توفیق اداره می شد، آغاز کرد. با نامهای مستعار [گردن شکسته] و [گردن شکسته فومنی] و [گل آقای فومنی] شعر و مطالب کوتاه طنز می نوشت. اما فعالیتش در حوزه ادبیات به این خلاصه نمی شد. او در سالهای قبل از انقلاب اینجا و آنجا مطالبی در نقد ادبیات می نوشت. یکی از بهترین نوشته های نقد ادبی اش را در مورد نیما در همان سالها در مجله نگین چاپ کرد.

روحیه صابری روحیه ای دینی بود، همین او را به انقلاب نزدیک کرده بود و به دلیل رفاقتش با محمدعلی رجایی(وزیر وقت آموزش و پرورش و سپس نخست وزیر و بعد رئیس جمهور ایران) او را به پشت پرده سیاست هم کشانده بود.از اوایل دهه شصت به این نتیجه رسیده بود که باید به نقد اوضاع سیاسی بپردازد.

در سفر حج بود که مطالبی را به طنز در نشریه روزانه ای که همانجا چاپ می شد نوشت، و همین نوشتن ستون طنز روزانه « دو کلمه حرف حساب » را در روزنامه اطلاعات جدی کرد.

قرارش با سید محمود دعایی، مدیر مسئول اطلاعات، این بود که هیچ کس نامش را نداند و تا دوسه سال نیز به این سنت وفادار بود.

در شرایطی که هیچ روزنامه جدی غیردولتی و منتقدی در کشور وجود نداشت، ستون دوکلمه حرف حساب‌به نوعی نگاه در سیاست کشور تبدیل شد.

صابری در ستونش در اطلاعات که گاهی از چندخط بیشتر نمی شد، مسائل روز سیاست را منتقدانه نگاه می کرد. شخصیت هایش به تدریج شکل گرفتند، «شاغلام »نماینده مردم ساده دل و البته کمی باهوش، «غضنفر» یا کمی قلدری و زورگویی ، «مصادق »نماینده مردمانی تهیدست و «عیال مصادق»به عنوان نماینده زنان در جریان چندسال نوشتن روزانه شکل گرفتند و زبان گویای خوانندگان گل آقا شدند.

انتقاداتش اگرچه در محدوده حکومت بود، اما حدی نداشت. صابری در انتقاداتش همواره ساده لوحی ، ناکارآمدی ، اشتباهات سیاسی و بی فکری ها را نقد می کرد. نوشته های گل آقا از اواخر سال ۱۳۶۲ آغاز شد و تا ده سال تقریبا هر روز به چاپ می رسید.

صابری یک بار با ظرافت به این پاسخ داده بود. وی گفته بود: این دیگی که بخار ندارد چه نیازی به سوپاپ(یا به قول خودش سوفاف) دارد؟ او به نظام جمهوری اسلامی اعتقاد داشت و اصلاح را در درون حکومت ممکن می دانست، اما هرگز برای جهت دادن خشم مردم به نقد نپرداخت و البته که می دانست که هر شورش و انقلابی تا چه حد برای سرنوشت کشور زیان آور است.

صابری پس از تغییرات سیاسی پس از جنگ تصمیم گرفت به طور جدی فضای روشنفکری کشور را فعال کند. در مدت کارش در «دو کلمه حرف حساب»با روشنفکران ارتباط گرفته بود و نقش آنان را دریافته بود.

در سالهای ۶۸و۶۹ بود که بحث راه انداختن نشریه ای به نام فصل جدید را باز کرد، قرارش این بود که در این نشریه کسانی مانند عزت الله سحابی و دیگر روشنفکران دینی بیایند و طرح جدی مباحث مهم کشور را آغاز کنند؛ اما پس از چندی تلاش از این نومید شد و تصمیم گرفت مجله طنز هفتگی منتشر کند. مجله گل آقا با تیراژ پنجاه هزار آغاز و به سرعت به صدهزار رسید و جایی بی سابقه برای خودش باز کرد.

صابری با انتشار ماهنامه و سالنامه و کارهایی دیگر در ساختمان شماره ۸ خیابان الوند بالاتر از میدان آرژانتین نهادی را ساخت که تا سال ۱۳۸۱ باقی بود.

وقتی که نشریه را تعطیل می کرد خیالش از عاقبت خودش راحت شده بود، برای پسرهای کارمند گل آقا زن گرفته بود و دخترها را شوهر داده بود، برایشان ماشینی یا خانه ای خریده بود و خیالش از سرنوشت آنها راحت شده بود. پوپک(دختر صابری)هم حالا دیگر خودش خانه و زندگی داشت.

مثل یک ستاره آمد، به خوانندگانش شادی بخشید، کار ساخت و زندگی بخشید و رفت

پیکر «کیومرث صابری فومنی» (گل آقا) طنزپرداز شهیر ایرانی صبح روز شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. متن زیر آخرین نوشته صابری است که با امضای «شاغلام» درشماره‌آخر ماهنامه « گل آقا» درج شده است:

تهی چون از گل آقا گشت محفل
الا یا شاغلام خیمه

خوانندگان عزیز گل آقا می‌دانند که از همان روز اول گذاشتن سنگ بنای آبدارخانه ، بعض اوقات «گل آقا» می‌رفت ، اما حرف حساب نمی‌رفت و کار تعطیل نمی‌شد، ما و غضنفر در این اوقات حرف حساب را با قلم «گل آقا»یی می‌نوشتیم و روزگار را از پشت عینکشان می‌دیدیم و اخبار را با سمعک اوشان می‌شنیدیم ، و همین بوده است و رمز و راز ماندگاری آبدارخانه تا به امروز. در این چهارده- پانزده سال که رفیق گرمابه و گلستان ایشان بودیم هر بار با رفتنشان خدمتشان عرض می‌کردیم: «گل آقا جان آبدارخانه بی‌وجود سرکار عین زندان است ، سوت و کور است ، ولو باقی اذناب بغل دستمانم نشسته باشند.»

خلاصه آنقدر فغان و زاری می‌کردیم ، آنقدر چشم به راهشان می‌ماندیم تا دلشان به رحم می‌آمد و امور غیرگل آقایانه شان را رها می‌کردند و می‌آمدند.

می‌گویم: غضنفر جان یادت می‌آید توصیه گل آقا را؟

می‌گوید: همان که کراراً می‌فرمودید؟

می‌گویم: همان که عهدو پیمانش با خوانندگان بود.

می‌گوید: «بیان حقایق برای خلایق.»

می‌گویم:« ولو موجب رنجش و ناراحتی خوانندگان شود؟»

می‌گوید: حتی اگر موجب ناراحتی خوانندگان شود.

می‌گویم: قربانت شوم، یعنی بگوییم یک ماه و دو هفته است گل آقاجان ناخوش احوال است ، در شرایط جسمی مساعدی نیست ، توان آمدن به آبدارخانه را ندارد؟

غضنفر زل زده است به آسمان، چیزی نمی‌گوید. ما هم چیزی نمی‌گوییم. زل می‌زنیم به آسمان ، و همراه با باقی اذناب از خدا می‌خواهیم گل آقا صحیحاً و سالماً به آبدارخانه مراجعت فرمایند. این بار اگر ایشان نیایند ما دیگر حرف حساب نمی‌نویسیم چرا که هر کسی را بهر کاری ساختند و به گمانم فقط گل آقا بهر حرف حساب ساخته اند.

رنجهای مسیح در ایران به نمایش در خواهدآمد

اداره نظارت و ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، روز سه شنبه برای فیلم‌رنجهای مسیح ساخته مل گیبسون پروانه نمایش صادر کرد.

پیش از این جعفر صانعی مقدم، مدیر کل اداره نظارت و ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعلام کرده بود که به علت اینکه این اداره هنوز فیلم رنجهای مسیح را دریافت نکرده، پروانه نمایش این فیلم صادر نشده است.

پخش کننده فیلم رنجهای مسیح در ایران بنیاد سینمائی فارابی است و قرار است این فیلم با زیر نویس فارسی نمایش داده شود.

نمایش این فیلم که ۱۲ ساعت آخر زندگی عیسی مسیح و به صلیب کشیدن او را نشان می دهد، با مخالفت شدید جوامع یهودی رو به رو شد.

علت مخالفت جوامع یهودی این است که معتقدند این فیلم نشانه های ضد نژاد سامی در خود دارد و چهره بدی از یهودیان زمان مسیح به تصویر کشیده است و آنها را عامل اصلی مرگ مسیح نشان می دهد.

همچنین نمایش فیلم رنجهای مسیح با استقبال چشمگیری در کشورهای مسلمان نشین برخوردار شده است. طبق گزارشهای شرکتهای پخش فیلم، رنجهای مسیح رکورد فروش را در سینماهای مصر، سوریه و لبنان شکسته است.

اما کشورهای بحرین و کویت نمایش این فیلم را ممنوع کرده‌اند. در اسرائیل نیز رنجهای مسیح فقط در یک سینما نمایش داده می‌شود.

در عربستان سعودی که سینمائی وجود ندارد، روزنامه های چاپ ریاض خبر داده اند که نسخه های ویدئویی غیرقانونی رنجهای مسیح به راحتی در بازار قابل تهیه است و بسیاری از مردم این فیلم را بر روی این نسخه ها دیده اند.

آیا « رنجهای مسیح » یک فیلم مذهبی است؟

جدا از مسائلی که باعث می شود برخی مبانی تاریخی برخی حوادث را (آنگونه که در فیلم رخ می دهند) زیر سوال ببرند، مهمترین مسئله، خشونتهای به شدت آشکار فیلم است و این که مل گیبسون با این فیلم چه چیزی را می خواسته به نمایش بگذارد؟

جاناتان رامنی، نویسنده روزنامه ایندیپندنت می نویسند:این فیلم را به هیچ وجه نمی توان با فیلمهای عمیق مذهبی مقایسه کرد. نه تنها واقع گرایی این فیلم شباهتی به انجیل به روایت متی ساخته پیر پائولو پازولینی ندارد، بلکه بیشتر به گرایشهای سادیسمی فیلم ۱۲۰ روز سودوم از پازولینی نزدیک است که مجموعه ای بود از صحنه های منزجر کننده و غیرقابل تماشا.

دربیان خشونت، مل گیبسون، حتی ابایی از نمایش کنده شدن پوست پشت بدن مسیح (با بازی James Caviezel) زیر ضربه های شلاق های چرمی که بر سر رشته هایش قطعات تیز و برنده وصل شده، ندارد و از خشونت بار ترین لحظه ها، در یک صحنه فیلمساز، فرو رفتن این قطعات در بدن مسیح را به تصویر می کشد که شکنجه گر برای رها شدن شلاق، آن را می کشد و قطعاتی از پوست و گوشت مسیح را نیز از بدنش جدا می کند. بسیاری از صحنه ها به شیوه حرکت آهسته (Slow Motion) نمایش داده می شود که تاثیر نمایش شکنجه ها را چند برابر می کند.

جاناتان رامنی می نویسد: زبان این فیلم به زبان سینمای وحشت نزدیک است و مشخص نیست که فیلم با این میزان نمایش جزئیات خشونت چگونه می خواهد تعالی بخش یا تهذیب کننده باشد.

او ادامه می دهد: مشخص نیست که این فیلم می خواهد چه لطفی در حق مسیحیت یا مسیح انجام دهد، چرا که در زیر این باران خون، چیزی از هویت انسانی مسیح مشخص نمی‌شود.

سخنوران زرتشتی

در گرامی هفته نامه امرداد از شاعرانی شعر چاپ می شود که همه، آنها را می شناسند و دیوان های آنها در دسترس است . اما در میان مردان و زنان و دوشیزگان زرتشتی نیز شاعرانی وجود داشته و دارند که باید با درج اثارشان از آنها یاد شود. در این مان اگر کسانی رفته اند ، جهان آفرین روانشان را شاد کند و البته بر روزان و شبان زندگی آنان که در حال حیات اند بیفزاید . امید که چشمهٔ ذوقشان جوشان باشد و چه نکو خواهد بود که نو شاعران را تشویق و سروده هایشان را چاپ نمایید تا پله های ترقی و کمال را بپیمایندو به اوج شهرت برسند.

اگر چه اکنون در رجامعه زرتشتی ایران شاعر فرزانه ای چون توران شهریاری بر اریکهٔ افتخار و اشتهار تکیه زده است اما در شهر ما(یزد) نیز شاعرانی زرتشتی بوده اند که افرادی خدمتگزار بودند و در میان مردم محبوبیتی داشتند و یکی از آنان نیز مهربان خانی است که سال ها در بانک ملی یزد مراجعین را یاری می نمود. قبل از این نیز دورانی را در دبیرستان مارکار برای فرزندان یزد چارغ عمر می سوزاند. او عضو انجمن ادبی یزد نیز بود و غزلی از شادروان محمد حسین ناصر شاعر بلند پایهٔ یزد ، این دیار اهورایی را با این مطلع استقبال نموده است:

«یکدم گمان مبر ز خیال تو غافلم
نشستم ار خموش خدا داند و دلم»

رنج دوری

دیوانهٔ جمال توام گرچه عاقلم
مهر تو از ازل بسرشتند با گلم
در سیل اشک ، غوطه خورد کشتی وجود
تا برق عشق تو شرر افکند بر دلم
دریای عشق را چو بود ساحل نجات
ای ناخدا چرا نرسانی به ساحلم
ای سرو قد ماه جبین ستاره چشم
کی باز روشنی بفزایی به محملم
هر چند دورم از تو به ظاهر گمان مدار
یک لحظه از خیال تو ای دوست غافلم
یکسوی آتش دل یکسوی آب چشم
دور ز تو بین آتش و آب است منزلم
خانه به او بگو که اگر تار و پود جان
از هم گسست ، رشتهٔ مهر از تو نگسلم

مهربان خانی

امرداد شهر اندیشه

سال ۸۳ با انتشار همزمان سه کتاب از محمود دولت آبادی آغاز شد.

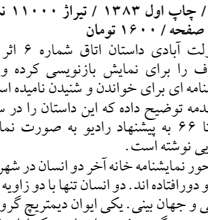

خانه آخر / محمود دولت آبادی / نمایشنامه / نشر قطره / چاپ اول ۱۳۸۳ / تیراژ ۱۱۰۰۰ نسخه / ۱۶۰ صفحه / ۱۶۰۰ تومان

دولت آبادی داستان اتاق شماره ۶ اثر آنتوان چخوف را برای نمایش بازنویسی کرده و آن را نمایشنامه ای برای خواندن و شنیدن نامیده است. او در مقدمه توضیح داده که این داستان را در سالهای ۶۵ تا ۶۶ به پیشنهاد رادیو به صورت نمایشنامه رادیویی نوشته است.

محور نمایشنامه خانه آخر دو انسان در شهرستانی پرت و دورافتاده اند. دو انسان تنها با دو زاویه نگاه به زندگی و جهان بینی. یکی ایوان دیمتریچ گروموف ، مردی سرد و گرم چشیده ، اخراجی یک اداره فکسنی و تنها در یک سو؛ و در سوی دیگر، تنهایی دیگر، دکتر آندره یفی میچ راگین، پزشک تنها بیمارستان شهر.

تنگنا / محمود دولت آبادی / نمایشنامه / نشر قطره / چاپ اول ۱۳۸۳ / تیراژ ۱۱۰۰۰نسخه / ۱۴۷ صفحه / ۱۵۰۰ تومان

داستان در تهران و در محله ای کهنه و در خانه ای قدیمی و پر از مستاجرهای گوناگون می گذرد. حدیث دردمندی انسانی هایی که زاده فقر و پرورده رنج اند.

دولت آبادی این نمایشنامه را به دوست و همکار قدیمش زنده یاد مهدی فتحی تقدیم کرده است.

یک زندگی کوچک / محمود دولت آبادی / نما - داستان / نشر قطره / چاپ اول ۱۳۸۳ / تیراژ ۱۱۰۰۰ نسخه / ۸۷ صفحه / ۸۵۰ تومان

نشر قطره همت کرده تا آثار قدیمی و چاپ نشده دولت آبادی را به تدریج منتشر کند. فیلمنامه یک زندگی کوچک در اردیبهشت ۱۳۶۶ نوشته شده و نویسنده در باره آن نوشته است:[... گفتنی است که این حکایت وارسی گونه ای است از نگاهی دیگر در باب آنچه نوعی بیماری هوایی انگاشته می شده و می شود در سواحل جنوبی کشورما. (زار- بدشدن جان) و جز آن که اینجا به جنبه ها و علل عینی آن پرداخته شده متناسب با شکل و سیاقی باب سینما.

مهد کودک ، آمادگی
و مرکز پیش دبستانی
سپند
تلفن: ۸۹۶۹۴۴۱

موبایل کامبیز
o سیم کارت ـ فیش
o گوشی نو و کارکرده ـ نقد و اقساط
o سیستم موبایل ماهواره‌ای (ثریا)
o خطوط تلفن ثابت تمام مناطق
۶۵۲۵۹۸۸_۶۵۲۴۶۰۸_۶۵۲۰۵۸۰
۶۵۲۵۹۸۷_
موبایل ۰۹۱۳۲۲۳۳۲۴۴

یسنا کامپیوتر
نشانی : ولیعصر- بالاتر از
چهار راه طالقانی- مرکز کامپیوتر ایران- ورودی دوم
پلاک ۸۴۰
تلفن: ۱۷ ـ ۸۸۰۵۱۲۸
۰۹۱۱۲۳۴۲۹۴۷